



بررسی های سایت GFP که قدرت های جهانی براساس قدرت بالقوه نظامی را احصا می کند، نشان می دهد چرا آمریکا هیچ واکنشی به صادرات بنزین ایران به ونزوئلا نشان نداد

ایران؛ قدرت هژمون در خلیج فارس

نظامی تعریف می کنند، زیرامعتقدندروز و قدرت نظامی ابزار نهایی وغایی در سیاست بین الملل است. در این میان به مفاهیمی مانند قدرت بالقوه و قدرت بالفعل نیز توجه شده است. از همین روی قدرت بالقوه یک دولت بستگی به میزان جمعیت و ثروت آن دارد. همین دو عنصر اساسی عامل وسنگ بنای سازنده قدرت نظامی هستند. رقبای ثروتمند که جمعیت زیادی دارند، همواره از توانایی ایجاد نیروی نظامی عظیم ونیرومند برخوردارند. در ادامه نیز قدرت بالفعل یک دولت در ارتش (نیروی زمینی) و نیروهای هوایی و دریایی که مستقیماًن واحمایت می کنند، نهفته است. جهت پاسخ به سوال اصلی این نوشتار در ادامه به بررسی و مقایسه توانایی های بالقوه و بالفعل ۶ کشور خلیج فارس شامل جمهوری اسلامی ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، قطر و امارات متحده عربی پرداخته شده است. در انتها نیز به رتبه بندی وجایگاه این کشورها از لحاظ قدرت نظامی در منطقه خاورمیانه پی می بریم.

مقایسه توانایی های بالقوه و بالفعل کشورهای حاشیه خلیج فارس

دو مرکز مهم جهانی انرژی خلیج فارس و خزر در همسایگی ایران است. در اختیار داشتن ۹ درصد ذخایر نفتی و بیش از ۱۵ درصد ذخایر گازی جهان و قرار داشتن در حاشیه خلیج فارس، موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه فردی است که نمی توان آن رانادیده گرفت. ایران جایگاه دوم نفت را پس از عربستان وجایگاه دوم گاز را پس از روسیه دارد. همچنین به دلیل برخورداری از طولانی ترین مرزها در خلیج فارس در نتیجه تسلط بر حدود نیمی از تجارت و خرید و فروش وجابه جایی نفت جهان وموقعیت منحصربه فرد ترانزیتی به عنوان مهم ترین کشور از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس است. حسین سیف نژاد، عضو هیات علمی موسسه مطالعات خاورمیانه در واشنگتن معتقد است کشور ایران دارای چهار مزیت موقعیتی یعنی اتصال به موقعیت بزی اوراسیا، موقعیت بحری دارای سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان، در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز وتوان حمله به خشکی های اطراف است. علاوه بر این موردسخت افزاری ایران منشکل از جمعیتی نسبتاًمتخصص دارای اهداف بلندمدت وعلاقه مند به پیشرفت است، بنابراین ایران از موقعیت نظامی نیز برخوردار است.

شاخص های جمعیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس

جغرافیا و جمعیت ایران وضعیت برتر طبیعی وعمق استراتژیک لازم رابرای آن کشور به وجود آورده است. عراق در دهه های ۷۰ و ۸۰ توان رقابت با قدرت ایرانیان را داشت، اما در سایه یک نظامی گری غیرقابل اتکا بر جامعه واقتصاد آن کشور آن را از دست داد. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از قدرت مالی و ذخایر سوخت فسیلی بسیار عظیمی برخوردارند، اما در تبدیل آن به چنان وزن استراتژیکی که بتوانند همواردی برای قوای نظامی ایران باشند ناتوان بوده اند. در جدول ۱ به مقایسه شاخص های جمعیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس پرداخته شده است. ژالیسم تهاجمی به جمعیت به عنوان یکی از عناصر بالقوه قدرت نگاه می کند. از این لحاظ جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس دارای بزرگ ترین میزان جمعیت بوده که این امر خود به ایران مزیت های ویژه ای رانسبت به دیگر کشورهای خلیج فارس بخشیده است. ایران با جمعیت کنونی خود به نسبت نیز در سایر زمینه ها مانند نیروی انسانی قابل سرویس، مناسب برای خدمت، نیرویی که سالانه به سن نظامی می رسند واز همه مهم تر پرسنل فعال خط مقدم دارای بالاترین رتبه است.

شاخص های انرژی کشورهای حاشیه خلیج فارس

در ارتباط با منابع نفتی ومیزان تولید،ومصرف روزانه وهمچنین میزان ذخایر اثبات شده نفت نیز ایران دارای موقعیت ویژه ای در خلیج فارس است. به گونه ای که با داشتن ۱۵۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ذخایر اثبات شده نفت در رتبه دوم بعد از عربستان سعودی با ذخایر ۲۶۶ میلیارد بشکه ای قرار دارد. این در حالی است که کشورهای عراق، امارات، کویت وقطر مطابق با آمار جدول شماره ۲ به ترتیب در رتبه های سه تا ششم قرار دارند. میزان برداشت روزانه کشورهای عراق وعربستان از ایران بیشتر است، همچنین میزان برداشت کشورهای قطر، امارات و کویت در مقایسه با ایران به نسبت جمعیت اندک، قابل توجه است. در واقع بهره برداری بالای کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه در قسمت برداشت های مشترک در شرایطی که ایران تحریم است یک تهدید اساسی است. اهمیت نقش نفت در مرادوات کشورهای خلیج فارس به خاطر تاکید بر همکاری های انرژی، اقتصادی وهماهنگی های وسیع سیاسی است که می تواند زمینه ساز اعتمادسازی های عمیق در منطقه شود.

هزینه های نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس
از عناصر بالقوه قدرت از منظر ژالیسم تهاجمی، ثروت است که می توان میزان آن را از طریق محاسبه میزان ذخایر طلا و ارز کشورها به دست آورد. در این رابطه نیز ایران پس از عربستان سعودی دارای رتبه دوم (با ذخایر ۱۲۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار) است. میزان این ذخایر تا حدودی ارتباط مستقیمی به ذخایر اثبات شده نفت ومیزان تولید وفروش روزانه آن بستگی دارد. مطابق با آمار ارائه شده در جدول شماره ۳ عراق، امارات، کویت وقطر در رتبه های بعدی قرار دارند. از سوی دیگر ایران پایین ترین میزان از بدهی خارجی را در کشورهای خلیج فارس طبق آمار فوق به خود اختصاص داده است. میزان بودجه دفاعی کشورها نیز در بالا بردن قدرت کشورها از اهمیت فراوانی برخوردار است. از بین کشورهای خلیج فارس، عربستان سعودی بالاترین میزان بودجه دفاعی را به خود اختصاص داده است. در همین راستا، امارات، ایران، عراق، کویت و قطر از این منظر در رتبه های بعد از عربستان سعودی قرار دارند.

قدرت نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس

استفاده از توانمندی های بالقوه در عمل دارای اهمیت مضاعفاست، چرا که در میدان عمل با محدودیت ها و شرایط محیطی نظام بین الملل از جمله ساختار مواجهم که خود تمیین کننده رفتار خاص برای بازیگران در چارچوب ژالیسم تهاجمی است. در ادامه به توانمندی های بالفعل ایران و کشورهای خلیج فارس پرداخته شده است. تجربه نزدیک به یک قرن اخیر نشان می دهد بیگانگان همواره به بهانه امنیت سازی در خلیج فارس عامل نا امنی و بحران سازی در منطقه بوده اند. با توجه به اهمیت آبراه های دریایی در عرصه اقتصاد دریایی و گستردگی تردد کشتی های تجاری و نفکشی ها در دریاها، تا مین امنیت دریایی یک ضرورت است. ایران در زمینه نیروی دریایی نیز قدرتمندتر از کشورهای منطقه خلیج فارس است. همان گونه که در آمار جدول شماره ۴ آمده مجموع قدرت ایران ۳۹۸ است. از این نظر عراق، قطر، امارات، کویت وعربستان در رتبه های بعد از ایران قرار می گیرند.

توان دریایی ولجستیکی کشورهای حاشیه خلیج فارس

با توجه به قدرت بالقوه وتحقق گزاره های قدرت بالفعل درباره جمهوری اسلامی ایران، نیروی دریایی جایگاه قدرتمند خود را در عرصه صیانت از آب های ایران تثبیت کرده است. همچنین در انجام ماموریت های دریایی در آب های بین المللی با اقتدار مشارکت داشته وبه عنوان تکیه گاهی اطمینان بخش در موضوع امنیت دریاها و اقیانوس شناخته می شود. ایران دارای امکانات وتجهیزات لجستیکی ویژه ای است که به صورت عینی وبالفعل برتری قابل توجهی نسبت به دیگر کشورهای رقیب در خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی وعراق دارد. همان گونه که مرشامیر نیز اذعان دارد میزان جمعیت وثروت یک کشور مهم ترین عامل در تولید قدرت بالقوه است که این مورد درخصوص ایران کاملاً گویاست، مثلاً ایران دارای ۳۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نیروی کار است که این نیروی کار خود به عنوان عنصر بالفعل در تولید قدرت ایران است. از نظر توان ناوگان بازرگانی نیز ایران دارای جایگاه اول در منطقه است. ایران از نظر فرودگاه های قابل سرویس نیز دارای بیشترین تعداد فرودگاه است. از نظر پوشش راه های نیز ایران دارای بیشترین میزان پوشش راه های در مقایسه با کشورهای منطقه است. سایر کشورهای منطقه یا پوشش راه های ندارند یا آماری در این زمینه در دست نیست. از نظر میزان پوشش جاده ای نیز بعد از عربستان، ایران دارای بیشترین میزان پوشش جاده ای بوده که در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. در نتیجه از نظر لجستیکی ایران روی هم رفته دارای جایگاه اول در بین کشورهای منطقه خلیج فارس است. این مصادیق بیانگر قدرت بالفعل ایران نسبت به دیگر کشورها در این زمینه است.

توان هوایی کشورهای حاشیه خلیج فارس

ایران در زمینه نیروی هوایی شامل تعداد هلیکوپترها (فارغ از نوع آنها) نیز در وضعیت مناسب ونه ایده آل قرار دارد. در این زمینه ایران با داشتن ۵۰۹ مجموع قدرت نیروی هوایی و ۱۰۰ فروند هلیکوپتر در جایگاه سوم قرار دارد. از این نظر عربستان و امارات دارای برتری نسبت به ایران هستند. آنچه به عناصر جغرافیایی، منابع طبیعی وقابلیت صنعتی اهمیت واقعی می بخشد، آمادگی نظامی است. قدرت ملی هر کشور بستگی مستقیم با وضعیت، توان و آمادگی نیروهای مسلح دارد. ایران با در اختیار داشتن نیروهای مسلح قوی وهمچنین حمایت مردمی در قالب تشکیل بسیج به نوعی سازماندهی شده است که دشمنان نتوانند چشم طمع به خاک ایران داشته باشند. همچنین ایران از لحاظ سه عامل مهم در بخش نظامی یعنی برخورداری از نیروی نظامی نیرومند و

بزرگ، برخورداری از تاسیسات، صنایع وتکنولوژی پیشرفته نظامی وبرخورداری از روحیه قوی وتجربه کافی وانگیزه برای جنگیدن از موقعیت مناسبی برخوردار است. همه مقایسه های فوق بین ایران و کشورهای خلیج فارس در حالی صورت گرفته که جز ایران، عراق و کویت هیچ کدام از دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس سابقه تجاوز به خاک خود را ندارند. در این میان کشور ما بیشترین خسارت را از جنگ متحمل شده است. طبق نظریات مرشایمر بهترین راه برای ایجاد موازنه قدرت زمینی، به حداکثر رساندن سهم قدرت نظامی است که خود را در نیرو های زمینی و دریایی قدرتمند نشان می دهد. هرچند آماری از نیروی نظامی فعال وآماده در ابتدا ارائه شد، اما باید به تجربیات تاریخی وسایر عوامل اقتصادی، اجتماعی وسیاسی جهت حضور افراد در مواقع ضرورت توجه داشت. تجربه جنگ تحمیلی هشت ساله به ما نشان داد که عملاً نیروی نظامی یک کشور با تکیه بر آنچه تصور شده با آنچه در واقعیت محقق می شود، تفاوت بسیاری دارد که پرداختن به آن از عهده این نوشتار خارج است.

هژمونی در خلیج فارس هموار کننده حضور در سایر مناطق جهان

در این پژوهش با بررسی ۳۴ فاکتور-علاوه بر فاکتورهای فوق مساحت، خط ساحلی، مرز مشترک وآبراه- در ارتباط با توانایی های بالقوه وبالفعل کشورهای خلیج فارس که از سایت GFP برگرفته شده، ضمن مقایسه فاکتورهای کشورهای حاشیه خلیج فارس، قدرت کشورهای خلیج فارس نیز به ترتیب مشخص شده است. باید به این نکته توجه کرد که سایت مذکور فاکتورهای قدرت ۶۸ کشور را در سطح جهانی مقایسه و رتبه بندی کرده است. طبق این رتبه بندی ایران با رتبه ۱۴ جهانی رتبه بالاتری نسبت به کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق، کویت وقطر به ترتیب با رتبه های ۱۷، ۱۷، ۴۵، ۵۰، ۸۵، ۹۰ قرار گرفته است. حال از این مقایسه می توان به این نتیجه دست یافت که رتبه بندی کشورهای منطقه خلیج فارس در حال حاضر به این شکل است که ایران دارای رتبه اول و کشورهای عربستان سعودی، عراق، امارات متحده عربی، کویت وقطر به ترتیب در رتبه های دوم تا ششم قرار دارند. البته باید به این مورد نیز اشاره کرد که کشورهای عمان وبحرین به ترتیب در رتبه های هفتم و هشتم جای می گیرند، هرچند در اینجا به آنها پرداخته نشده است. طبق داده های ارائه شده جمهوری اسلامی ایران دارای بیشترین قدرت بالقوه وبالفعل جهت انکساب جایگاه هژمونیک در خلیج فارس است. اما چرادر عمل شاهد تحقق این امر نیستیم؟ در پاسخ می توان به مهم ترین عامل یعنی منطق قدرت های بزرگ اشاره کرد که طی آن قدرت های بزرگ از شکل گیری قدرت مسلط در مناطق مختلف پیشگیری می کنند. مرشامیر در توضیح چگونگی حفظ وضع موجود وتغییر راهکارهایی ارائه داده است که به صورت ملموس در منطقه خلیج فارس شاهد تحقق آنها بوده ایم، از جمله استراتژی های قدرت های بزرگ به ویژه آمریکا برای پیشگیری از قدرت ایران ایجاد موازنه و احاله مسئولیت بوده است. در تداوم این دو استراتژی می توان به نقش عراق در جنگ تحمیلی جهت ایجاد موازنه ونقش عربستان در ادامه جهت رقابت وموازنه با ایران اشاره کرد. همین امر درباره سایر قدرت های بالقوه از جمله چین با حمایت آمریکا از هند در سایر نقاط جهان قابل تطبیق است. آمریکا به دنبال افزایش نفوذ ایران در منطقه از سال ۲۰۰۱ مستقیماً و با به راه انداختن جنگ های عراق و افغانستان وارد منطقه خلیج فارس شد تا به تغییرات متناسب با منافع خود دست یابد. طی چند دهه اخیر نیز با وضع تحریم های مختلف به صورت یکجانبه و چند جانبه به پیشگیری از تسلط ایران در منطقه پرداخته است. به نظر می رسد یکی از دلایل بی تفاوتی آمریکا نسبت به صادرات انرژی از ایران به ونزوئلا، آگاهی واشنگتن از قدرت دریایی وهژمونی ایران در خلیج فارس است. حال براساس بررسی هایی که به صورت آمار و ارقام در رابطه با توانمندی های کشورهای منطقه خلیج فارس ارائه شده، می توان نتیجه گرفت که ایران در مجموع و با ترکیب توانایی های بالقوه (قدرت اقتصادی واجتماعی) وبالفعل (قدرت نظامی) از موقعیت برتری نسبت به دیگر کشورهایبرخوردار است. بادر نظر گرفتن این جایگاه به صورت بالقوه این ظرفیت به عنوان قدرت هژمون در منطقه خلیج فارس برای بازیگری و ایفای نقش مسلط برای ایران مهیا شده است. پس طبق مفاهیم ژالیسم تهاجمی ایران تنها کشور است که در منطقه خلیج فارس از توانایی های لازم به منظور ایفای یک نقش مسلط برخوردار است وبه عنوان هژمون بالقوه خلیج فارس شناخته می شود. دلایل دیگری نیز برای استدلال فوق قابل استناد است. برآوردهای سایت (globalfirepower.com) به توضیح در ارتباط با توانمندی های نظامی ۶۸ کشور جهان از جمله کشورهای منطقه خلیج فارس پرداخته است که مطابق آن ایران یک ارتش دائمی بزرگ را برای چندین دهه نگهداری می کند و اخیراً به توسعه وتولید داخلی دست زده است.

کشور	جمعیت	نیروی انسانی قابل استفاده	مناسب برای خدمت	رسیدن به سن نظامی سالانه	پرسنل فعال خط مقدم	کارکنان فعال ذخیره
ایران	۸۳،۰۲۴،۷۴۵	۴۷،۳۲۴،۱۰۵	۳۹،۸۴۲،۱۶۴	۱،۳۹۴،۴۷۶	۸۷۳،۰۰۰	۵۲۳،۰۰۰
عربستان	۳۳،۰۹۱،۱۱۳	۱۷،۷۰۳،۷۴۵	۱۶،۱۹۸،۹۲۷	۵۸۳،۱۶۱	۴۷۸،۰۰۰	۳۲۵،۰۰۰
امارات	۹،۷۰۱،۳۱۵	۵،۸۲۰،۷۸۹	۴،۹۲۴،۳۸۷	۷۸،۷۹۰	۶۴،۰۰۰	.
عراق	۴۰،۱۹۴،۲۱۶	۱۶،۳۹۹،۲۴۰	۱۳،۲۸۳،۳۸۵	۶۶۴،۱۶۹	۱۶۵،۰۰۰	.
کویت	۲،۹۱۶،۴۶۷	۱،۶۴۱،۹۷۱	۱،۳۸۲،۵۴۰	۳۴،۴۲۵	۳۹،۵۰۰	۲۴،۰۰۰
قطر	۲،۳۴۳،۵۶۹	۶۱۲،۱۶۴	۴۷۴،۴۲۷	۱۱،۸۶۱	۱۲،۰۰۰	.

کشور	بودجه دفاعی (دلار)	بدهی خارجی (دلار)	ذخایر طلا و ارز (دلار)	برابری قدرت خرید (دلار)	قدرت ناوگان جنگی
ایران	۱۹،۶۰۰،۰۰۰	۷،۹۹۵،۰۰۰،۰۰۰	۱۲۰،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۹،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۸
عربستان	۶۷،۶۰۰،۰۰۰	۲۰۵،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۴۹۶،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱،۷۸۲،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۳
امارات	۲۲،۷۵۵،۰۰۰،۰۰۰	۲۳۷،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۹۵،۳۷۰،۰۰۰،۰۰۰	۷۰۹،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۲
عراق	۱،۷۳۰،۰۰۰،۰۰۰	۷۳،۰۲۰،۰۰۰،۰۰۰	۴۸،۸۸۰،۰۰۰،۰۰۰	۶۸۰،۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰	.
کویت	۶،۸۳۱،۰۰۰،۰۰۰	۴۷،۲۴۰،۰۰۰،۰۰۰	۳۳،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۲۸۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	.
قطر	۶۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۶۷،۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۵،۰۱۰،۰۰۰،۰۰۰	۳۴۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	.

کشور	نیروی کار	توان ناوگان بازرگانی	بنادر مهم و پایانه ها	پوشش جاده (کیلومتر)	پوشش راه آهن (کیلومتر)	فرودگاه های قابل سرویس
ایران	۳۰،۵۰۰،۰۰۰	۷۲۰	۴	۱۷۲،۹۲۷	۸،۴۴۲	۳۱۹
عربستان	۱۲،۳۴۰،۰۰۰	۳۸۰	۵	۲۲۱،۳۷۲	۱،۳۷۸	۲۱۴
امارات	۵،۳۴۴،۰۰۰	۶۱۶	۸	۴۰،۸۰	.	۴۳
عراق	۸،۹۰۰،۰۰۰	۸۰	۳	۴۴،۹۰۰	۲،۲۷۲	۱۰۲
کویت	۲،۶۹۵،۰۰۰	۱۵۸	۵	۵،۷۴۹	.	۷
قطر	۱،۹۵۳،۰۰۰	۱۴۰	۳	۷،۷۹۰	.	۶

کشور	مجموع نیروی هوایی	کشتی
ایران	۵۰۹	هلیکوپتر ۱۰۰
عربستان	۸۷۹	۲۸۳
امارات	۵۳۸	۲۲۹
عراق	۳۴۸	۱۸۶
کویت	۸۵	۴۰
قطر	۱۲۳	۴۶

محمدعلی رحیمی نژاد
<div>دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی</div>
دولت ها همواره در پی به حداکثر رساندن قدرت خود در نظام بین الملل هستند و برای نیل به این مهم دست به رقابت با دیگر بازیگران می زنند. به این سبب که افزایش قدرت، رابطه تنگاتنگی با جایگاه دولت ها در نظام بین الملل و افزایش ضریب امنیتی آنها در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و بین المللی دارد. اگر این افزایش قدرت در سطح منطقه ای عملیاتی شود، منجر به رقابت شدید بین بازیگران آن منطقه می شود. به گونه ای که آنها بخش هفتگی از درآمدهای ملی خود را صرف هزینه های نظامی می کنند. در عرصه سیاست بین الملل، خلیج فارس با توجه به نقشی که در انتقال انرژی در جهان ایفا می کند، مورد توجه بسیاری اندیشمندان و سیاستگذاران بوده است. همین اهمیت باعث شده در خلیج فارس علاوه بر قدرت های منطقه ای، قدرت های بین المللی نیز حضور فعالی داشته باشند. در این میان پرسش مهم، نقش ایران در خلیج فارس است. تهران در مقایسه با دیگر کشورهای خلیج فارس در چه جایگاهی از رتبه بندی قدرت قرار دارد و آیا از منظر ژالیسم تهاجمی می تواند به عنوان هژمون منطقه خلیج فارس مطرح باشد؟ در این مقاله به بررسی توانمندی های مادی کشورهای خلیج فارس جهت نقش آفرینی منطقه ای وجهانی در تعاملات بین المللی براساس آمارهای سال ۲۰۲۰ پرداخته شده است. خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی و ژئوپلیتیک جهان است که برخی نیز آن را هارتلند جدید جهان نامیده اند. همین موضوع زمینه ساز حضور و نقش آفرینی دول استعماری وتحولات بنیادین بسیاری در واحدهای سیاسی پیرامون از بعد جغرافیای سیاسی خلیج فارس بوده است.

ممانعت آمریکا از شکل گیری قدرت در خلیج فارس

خلیج فارس با داشتن منابع فراوان انرژی همواره مورد نزاع قدرت های جهانی ومنطقه بوده است. طی سال های اخیر آمریکا با ایجاد توازن از راه های مختلف ارقیبل جنگ ایران و عراق، حمایت از عربستان ودخال مستقیم مانع از شکل گیری قدرت مسلط منطقه ای بر خلیج فارس شده است. در واقع عدم حضور قدرت های مداخله گر در راستای اهداف ایران وعدم شکل گیری قدرت مسلط بر خلیج فارس در راستای اهداف قدرت های جهانی به ویژه آمریکا قابل تعریف است.

رفتار کشورها در ژالیسم تهاجمی

ژالیسم از آغاز شکل گیری رشته روابط بین الملل، نظریه غالب سیاست جهانی بوده، زیرا توضیح بسیار موثری درباره وضعیت جنگ در نظام بین الملل ارائه داده است. هسته مشترک فکری همه ژالیست ها به ترتیب خودیاری، دولت گرایی وبفاسد، در دهه ۱۹۷۰ مکتب نئوژالیسم جای روبرکود واقع گرایی را گرفت. نواقع گرایان ضمن تاکید بر فقدان اقتدار مرکزی در نظام بین الملل، مسلط تحلیل را از دولت ها به نظام بین الملل ارتقا دادند. در همین راستا، پژوهشگران مطالعات امنیتی دوبرداشت از نواقع گرایی را به صورت «واقع گرایی تهاجمی» و «واقع گرایی تدافعی» ارائه کردند. این سوال که آیا هدف اصلی دولت ها ایجاد امنیت است یا افزایش قدرت، باعث شکل گیری دوگروه ژالیست یعنی ژالیست های تدافعی و ژالیست های تهاجمی شده است. ژالیست های تدافعی مانند گنت والتز وجوزف گریکومعتقدند دولت ها امنیت را هدف اصلی دانسته و در نتیجه به دنبال آن میزان از قدرت هستند که بقای آنان را تضمین کند. طبق این دیدگاه، دولت ها با بازیگران دفاعی هستند و به دنبال به حداکثر رساندن قدرت خود نیستند، به ویژه وقتی که این عمل به معنی به خطر انداختن امنیت آنها باشد. در مقابل، نظریه ژالیسم تهاجمی هدف دولت ها را رسیدن به جایگاه هژمونیک در نظام بین الملل دانسته است. جان مرشایمر نظریه پرداز برجسته ژالیسم تهاجمی معتقد است دولت هادر جهانی زندگی می کنند که سرشار از تهدیدات است وواحدهایی هستند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند. هدف اصلی هر دولتی این است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زبان دیگران است. ماهیت قدرت از منظر ژالیسم تهاجمی در کسب توانمندی های نظامی واقتصادی خلاصه می شود. از دیدگاه اندیشمندان ژالیسم تهاجمی، پایه و اساس قدرت بر منافع وقابلیت های ویژه ای که یک دولت در اختیار دارد استوار است. در نتیجه توازن قدرت تابعی از مجموعه سرمایه وادارایی های ملموس وواقعی مانند یگان های رزمی وتجهیزات نظامی است که هر دولتی در اختیار دارد. اساساً ژالیست های تهاجمی قدرت را در چارچوب مسائل